



The Analysis of the Pattern of Resistance in the Thinking of the Islamic Revolution and Hezbollah in Lebanon Based on the Theory of Power Balance

Saeed Pirmohammadi¹ | Taher Taheri² | Abolghasem Babatabar³

Abstract

The hallmark of developments in West Asia is dynamism and transformation, as well as regional complexity, ambiguity, and turmoil. The Trump Century deal and its subsequent trends, including the normalization of the UAE's relations with the Zionist regime, have exacerbated this situation. Recognizing Israel's sovereignty over Jerusalem, the Century Deal Plan allows the regime to annex 30 percent of the West Bank and, while recognizing a minimal presence, restrict Palestine's right to build an army and access to the sea. The geography of Trump and Netanyahu's mental model corresponds to the geopolitical dimension of the resistance axis. Politicians such as Mohammed bin Zayed and Mohammed bin Salman have also charted their approach in such a model and aspire to define their regional ambitions in the context of the future security and political order of West Asia. This has several consequences for the axis of resistance. In this regard, the main question of the present article is what are the effects and consequences of the Century Deal Plan on the security of the resistance-oriented regions? The findings of the article, based on a broad interpretation of security, show that the deal of the century and the increase in convergence in the Western and Arab axes affect different dimensions of economic, political, military and cultural security of the resistance axis. The present article is descriptive-analytical and the required information is collected by library method and referring to valid internet sources.

Keywords: Abraham Agreement, Axis of Resistance, Regional Security, Zionist Regime, West Asia.

1. Corresponding Author: PhD in International Relations, Faculty of Humanities, University of Guilan, Guilan, Iran. Saeedpirmohammad@yahoo.com

2. MA in Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Tehran North, Tehran, Iran.

3. Master of International Relations Graduate, Malek Ashtar University, Tehran, Iran.

DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.54.3.8





۵۴

سال پانزدهم
بهار ۱۴۰۱
صص: ۶۹-۹۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵

تأثیر طرح توافق آبراهام بر امنیت محور مقاومت در منطقه غرب آسیا در دوره ترامپ

سعید پیرمحمدی^۱ | طاهر طاهری^۱ | ابوالقاسم باباتبار^۲

چکیده

وجه بارز تحولات غرب آسیا، پویایی و تحول در عین پیچیدگی، ابهام و آشوب‌زدگی منطقه‌ای است. طرح توافق آبراهام ترامپ و روندهای بعدی آن از جمله عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی، این وضعیت را تشدید نموده است. طرح توافق آبراهام با به رسمیت شناختن حاکمیت رژیم صهیونیستی بر بیت‌المقدس، به این رژیم امکان می‌دهد ۳۰ درصد از کرانه باختری را به خاک خود ضمیمه کند و ضمن شناسایی موجودیت حداقلی، حق فلسطین برای ایجاد ارتش و دسترسی به دریا را محدود سازد. جغرافیای الگوی ژئوپلیتیکی آمریکا، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز بر پهنه ژئوپلیتیکی محور مقاومت منطبق است. سیاست‌مدارانی چون محمد بن‌زاید و محمد بن‌سلیمان نیز رهیافت خود را در قالب چنین الگویی ترسیم نموده و سودای آن دارند که جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای خود را در بستری از نظم امنیتی و سیاسی آینده غرب آسیا تعریف کنند. این امر آثار و عواقب متعددی برای محور مقاومت به همراه دارد. در این ارتباط، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که طرح توافق آبراهام چه تأثیرات و پیامدهای بر امنیت منطقه‌ای محور مقاومت دارد؟ مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات موردنیاز، به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع اینترنتی معتبر گردآوری می‌شود. یافته‌های مقاله بر مبنای تفسیر موسع از امنیت و روش توصیفی - تحلیلی، نشان می‌دهد که آثار و عواقب امنیتی - اطلاعاتی چنین وضعیتی بر امنیت منطقه‌ای ایران و محور مقاومت را می‌توان در قالب تشدید معادله امنیتی در خلیج فارس، ائتلاف‌سازی دریایی علیه ایران، افزایش مسابقه تسلیحاتی، افزایش جاسوسی از محور مقاومت و در نهایت، برهم‌خوردن موازنه قوا در خلیج فارس مورد توجه قرار داد. کلیدواژه‌ها: توافق آبراهام؛ محور مقاومت؛ امنیت منطقه‌ای؛ رژیم صهیونیستی؛ غرب آسیا.

۱. نویسنده مسئول: دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

saeedpirmohammad@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات غرب آسیا، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه مالک اشتر، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1401.15.54.3.8



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

برخلاف توافق‌نامه‌های سازش قبلی رژیم صهیونیستی با مصر و اردن، توافق‌نامه آبراهام شامل کشورهای عربی می‌شود که با رژیم هم‌مرز نیستند و هرگز با رژیم وارد درگیری و جنگ نشده‌اند. اعلام عادی‌سازی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی در بحبوحه طرح توافق آبراهام دولت ترامپ (۱۳ آگوست ۲۰۲۰)، معادلات سیاسی و امنیتی منطقه غرب آسیا را دست‌خوش دگرگونی کرده است. صرف‌نظر از ابعاد نمادین رونمایی از توافق آبراهام^۱ که با علنی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با امارات متحده عربی و بحرین در اوت ۲۰۲۰ آغاز گردید و سپس به ترتیب در اکتبر و دسامبر ۲۰۲۰ به مراکش و سودان تسری پیدا کرد، آثار و عواقب تحول یادشده بر نظم منطقه‌ای آینده غرب آسیا غیرقابل کتمان است. پس از موج نخست عادی‌سازی روابط رژیم با کشورهای عربی در سال‌های ۱۹۷۹ (مصر) و ۱۹۹۴ (اردن)، روند اخیر نشان‌گر آغاز دوران جدیدی در نظم سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه غرب آسیاست.

آمریکا در راستای واپایش کنشگری منطقه‌ای غرب آسیا و هدایت آن در مسیر نظم اقتصادی، سیاسی و امنیتی مطلوب و موردنظر تلاش نموده است تا نوعی مشارکت جامع منطقه‌ای در موضوع راهبرد مهار ایران و توافق آبراهام ایجاد کند. عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نیز در این راستا در دستورکار قرار گرفته و از طریق آن بازیگران منطقه‌ای چون امارات متحده عربی و عربستان سعودی، بر آن هستند تا از طریق گسترش همکاری فراگیر با تل‌آویو و نزدیک شدن به محور رژیم صهیونیستی و دولت آمریکا در قالب پیشبرد طرح صلح اعراب و رژیم صهیونیستی، جایگاه مناسبی را برای خود در نظم نوین غرب آسیا تعریف نمایند. این موضوع با عنایت به سرعت بالای تحولات منطقه و نقش کلیدی آن در شکل‌دهی به روندها و ساختار منطقه‌ای و بین‌المللی، اهمیت راهبردی و کاربردی دارد.

در همین ارتباط، مقاله حاضر بر آن است تا ضمن واکاوی تأثیرات و پیامدهای توافق آبراهام بر امنیت منطقه‌ای محور مقاومت، چشم‌انداز آینده معادلات قدرت و امنیت در غرب آسیا را نیز مورد بررسی قرار دهد. در این ارتباط، پرسش اصلی این است که توافق آبراهام چه تأثیراتی بر

امنیت منطقه‌ای محور مقاومت داشته است؟ امنیت محور مقاومت به جغرافیای خاصی محدود و محصور نمی‌شود از این رو، لازم است مراد از امنیت محور مقاومت تبیین گردد. منظور از امنیت محور مقاومت در این پژوهش، جغرافیای غرب آسیا است.

چارچوب نظری؛ تفسیر موسع از امنیت

در رهیافت سنتی به امنیت، متناسب با نوع تهدید، بر ابعاد نظامی امنیت تأکید می‌شد و دولت‌های ملی تنها مراجع امنیت بودند. با فروپاشی شوروی و تغییرات ایجادشده در نظام بین‌الملل، جامعه جهانی با چالش‌های امنیتی جدیدی مواجه شدند که به لحاظ شکلی و ماهیتی، متفاوت تر از تهدیدات دوران جنگ سرد بود. پیش‌بینی ناپذیری تهدیدات و مبهم بودن مرجع آن‌ها همراه با گستردگی و تنوع تهدیدات در شرایط جدید، منجر به بازتعریف مفهوم امنیت شد. بر این مبنا، با توجه به تحولات نظام بین‌الملل برای رویارویی با تهدیدات جدید، تفسیری موسع^۱ از امنیت ارائه گردید که نه تنها امنیت نظامی بلکه شامل ابعادی جدید مانند امنیت اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی می‌شد (طباطبایی و فتحی، ۱۳۹۳: ۹-۸).

یکی از مهم‌ترین گام‌ها در مسیر تبیین نظری مطالعات منطقه‌ای در بعد امنیتی، از سوی نظریه پردازان مکتب کپنهاگ^۲ برداشته شد. براساس مکتب کپنهاگ، امنیت در مورد بقا است. نظریه پردازان مکتب کپنهاگ استدلال می‌کنند که در روابط بین‌الملل وقتی چیزی به‌عنوان یک تهدید وجودی مطرح شود، به یک موضوع امنیتی تبدیل می‌گردد. فارغ از به اشتراک گذاشتن این درک نظامی سنتی از امنیت با نظریه پردازان سنتی امنیت، دستگاه مفهومی مکتب کپنهاگ با ترکیبی از مفاهیم نئورئالیستی و ساخت‌گرایی اجتماعی، تعریفی بسیار متفاوت از امنیت را با تأکید بر سه مفهوم بخش‌های مختلف امنیت، مجموعه امنیتی منطقه‌ای و امنیتی‌سازی ارائه می‌دهد (Diskaya, 2013: 2). امنیتی‌سازی، به خارج ساختن یک مسأله از حوزه سیاست عادی و واردسازی آن به قلمرو سیاست اضطراری از طریق بازنمایی آن به مثابه تهدید وجودی اشاره دارد. بخش‌ها بر تقسیم امنیت به ابعاد نظامی، سیاسی، جامعه‌ای، اقتصادی و زیست‌محیطی تأکید می‌کند.

1. Broad Interpretation
2. Copenhagen School

■ تأثیر طرح توافق آبراهام بر امنیت محور مقاومت در منطقه غرب آسیا در دوره ترامپ

مفهوم مجموعه امنیت منطقه‌ای نیز به اهمیت سطح منطقه‌ای در تحلیل امنیت اشاره دارد (زارع‌زاده ابرقویی، ۱۳۹۶: ۹۳).

بری بوزان^۱ چهره شاخص مکتب امنیتی کپنهاگ دو گام اصلی در تحلیل مفهوم امنیت برداشت؛ نخست توجه به سطح تحلیل منطقه‌ای بر پایه ماهیت رابطه‌ای امنیت و درک آن به‌عنوان یک پدیده به‌هم وابسته (و نه یک موضوع جدا از هم) و دوم، ترسیم طیف کاملی از لایه‌های تحلیل (داداندیش و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۹: ۷۷). مطابق این تحلیل، کشورها باید اهمیت و جایگاه ویژه‌ای را برای ابعاد منطقه‌ای امنیت اختصاص دهند. بری بوزان معتقد است که بررسی ملاحظات امنیتی کشورها در چارچوب ملی یا در سطح بین‌المللی نارسا است؛ چراکه دولت‌ها از یک سو در خلأ به‌سر نمی‌برند و با محیط پیرامونی خود در تعامل‌اند و از سوی دیگر، این منطق که امنیت هریک از دولت‌ها به امنیت همه مربوط است، پس هیچ چیز را نمی‌توان بدون درک همه چیز ادراک کرد، مطالعه امنیت را به‌صورت امری غیرواقع‌بینانه درمی‌آورد. برای دستیابی به تحلیلی جامع و واقع‌بینانه‌تر از امنیت منطقه‌ای، بوزان به روابط مبتنی بر قدرت، الگوی دوستی و دشمنی دولت‌ها را افزود. الگوی دوستی و دشمنی در رفتار مناطق و نوع نگاه آن‌ها به دیگران نقش کلیدی ایفا می‌کند (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۷-۵۶).

با عنایت به تلاش‌های آمریکا برای ادغام رژیم صهیونیستی در مجموعه امنیتی غرب آسیا و شمال آفریقا در قالب پروژه‌هایی چون توافق آبراهام و افزایش کنشگری رژیم در زیرسیستم‌های خلیج فارس، شامات و شمال آفریقا، می‌توان از چارچوب مکتب کپنهاگ به‌منظور واکاوی تأثیرات و پیامدهای توافق آبراهام بر امنیت منطقه‌ای محور مقاومت بهره گرفت. جامعیت تحلیل و ارزیابی سطوح و ابعاد امنیت در گزاره‌های این تئوری، کاستی‌ها و نقائص نگرش سنتی واقع‌گرا در مطالعات امنیتی را به میزان قابل ملاحظه‌ای تعدیل می‌کند.

۱- بازیگران دخیل در طرح توافق آبراهام

دولت ترامپ به‌منظور کاهش هزینه‌های راهبرد غرب آسیایی خود احاله مسئولیت به دولت‌های همسو را در دستور کار داشت و در عمل خود به‌عنوان موازنه‌گر از راه دور عمل

1. Barry Buzan

می‌کرد. بازیگران متعددی در توافق آبراهام مؤثرند. از این منظر، برای هر یک از کشورهای منطقه نقش و جایگاه خاصی تعریف شده است. آمریکا با رهبری ترامپ، رژیم صهیونیستی تحت زعامت حزب لیکود و سرکردگی بنیامین نتانیا هو، امارات به رهبری محمد بن زاید، عربستان به رهبری محمد بن سلمان و بحرین به رهبری حمد بن عیسی آل خلیفه، بازیگران اصلی توافق آبراهام بودند که سنگ بنای این توافق را بنا نهادند. ذیلاً به واکاوی نقش و جایگاه هر یک از بازیگران دخیل در طرح توافق آبراهام پرداخته می‌شود.

۱-۱- آمریکا:

الگوی مورد نظر دولت ترامپ در قالب طرح امارات به عنوان الگوی جدید عادی سازی روابط در جهان عرب سازمان دهی شده بود. چنین الگویی مشتمل بر سه مرحله اصلی است؛ در درجه نخست، تلاش شد تا با اعطای برخی وعده‌ها ابوظبی به عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی ترغیب گردد. وعده اصلی، تحویل جنگنده‌های اف ۳۵، پهبادهای رپیر و جنگنده ئی ای - ۱۸ جی گراولر (پیشرفته‌ترین پلتفرم حملات الکترونیکی) به امارات بود (مازتی و همکاران، ۲۰۲۰). مقامات ابوظبی نیز جهت منحرف نمودن افکار عمومی جهان عرب اعلام کرده‌اند که در ازای تعلیق طرح‌های رژیم صهیونیستی برای ضمیمه کردن کرانه غربی، مبادرت به عادی سازی روابط نموده‌اند. در گام بعدی، به واسطه افزایش قدرت نفوذ و چانه زنی، رویه سازی، هنجار سازی و بسط الگوی عادی سازی امارات به سراسر جهان عرب در دستور کار قرار گرفته و در نهایت از طریق پمپاژ رسانه‌ای و تبلیغاتی، موفقیت‌های اقتصادی امارات و مرتبط نمودن آن با سیاست‌های سازش کارانه، این شیخ نشین به عنوان یک الگویی قابل تقلید به ۱۹ کشور فاقد روابط دیپلماتیک با رژیم صهیونیستی توسعه می‌یابد. دونالد ترامپ در این خصوص اظهار داشته «اکنون که یخ روابط در حال آب شدن است، انتظار دارم کشورهای عربی و مسلمان بیشتری از امارات متحده عربی پیروی کنند» (Wolf, 2020).

1. Mazzetti et al

۱-۲- رژیم صهیونیستی:

از زمان تأسیس، تلاش برای عادی‌سازی روابط با دشمنان عربی یکی از دستورکارهای اصلی کابینه‌های رژیم صهیونیستی بوده است؛ اما چنین تلاش‌هایی عمدتاً به اتحادهای موقتی محدود می‌شد. به‌عنوان مثال، این رژیم در دهه ۱۹۶۰ برای کمک به عربستان به یمن تسلیحات فرستاد. این دستور کار در زمان نتانیاهو در قالب ایده صلح بدون امتیاز وی، سمت و سوی جدیدی پیدا کرد. نتانیاهو گسترش قلمرو عادی‌سازی روابط به کشورهای عربی غیرهمسایه از جمله شبه‌جزیره عربستان را از سال‌های پیش آغاز نموده بود. دست کم از سال ۲۰۰۹ وی در کنار گسترش شهرک‌سازی‌ها، بسط سرزمینی و تلاش برای تضعیف توان بازدارندگی مقاومت فلسطین، راهبرد برقراری روابط با کشورهای عربی بدون حل و فصل منازعه رژیم صهیونیستی - اعراب را طرح نمود. نتانیاهو از هر فرصتی برای گسترش همکاری‌های پنهان، نیمه‌پنهان و آشکار خود با رژیم‌های پادشاهی خلیج فارس بهره گرفته است (هالbfینگر و برگمن^۱، ۲۰۲۰). ملاقات سال ۲۰۱۸ نتانیاهو با سلطان قابوس، پادشاه وقت عمان، در کنار عادی‌سازی روابط با ابوظبی به‌وضوح موفقیت نتانیاهو در پیش‌برد خط دیپلماتیک جدید را برجسته نمود. از این طریق، نتانیاهو ایده «خاورمیانه جدید» شیمون پرز را به چالش کشید؛ چراکه تجربه روند سازش ثابت نموده تسریع شناسایی مستلزم اعطای امتیازات عمده نیست و صرفاً با به تأخیر انداختن الحاق کرانه باختری، می‌توان کشورهای عربی را وادار به عادی‌سازی روابط کرد (ولف^۲، ۲۰۲۰).

دولت نفتالی بنت نیز به دنبال ارتقای توافق‌نامه آبراهام و گسترش آن است. بر همین اساس، بنت در اولین سخنرانی خود در مجمع سالیانه ملل پس از اشاره به توافق مذکور و موضوع عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی، بحرین و مراکش اذعان کرد: «توافقات بیشتری در راه است». به نظر می‌رسد دولت بنت معتقد است که دیگر کشورهای متمایل به الحاق به توافق آبراهام، در انتظار کسب نتایج ملموس و مثبت عادی‌سازی رژیم صهیونیستی با چهار پیشگام در این زمینه یعنی امارات، بحرین، سودان و مراکش هستند از این رو، دولت بنت تلاش دارد تا با بسط روابط با کشورهای پیشگام در روند عادی‌سازی، بر بزرگنمایی نتایج مثبت این روند جهت تحریک دیگر

1. Halbfinger and Bergman
2. Wolf

کشورهای به عادی سازی متمرکز گردد. سفر یائیر لاپید وزیر خارجه رژیم، به بحرین اندکی پس از سخنرانی نخست وزیر رژیم در سازمان ملل (کاسپیت^۱، ۲۰۲۱) و هم چنین سفر نفتالی بنت به امارات در همین راستا قابل ارزیابی است.

۱-۳- امارات متحده عربی:

برسازی تهدید ایران در ادراک مقامات امارات از زمان روی کار آمدن نسل جدید رهبران این کشور به ویژه خاندان بن زاید تشدید شد. در این میان، محمد بن زاید ولیعهد ابوظبی و حاکم دوفاکتوی امارات، در تلاش برای تعریف نقشی جدید امارات در نظم نوین غرب آسیا، برقراری پیوند راهبردی با رژیم صهیونیستی را در دستور کار قرار داده است. این برنامه شامل طیفی از اولویت های سیاسی، امنیتی، اطلاعاتی، فناوری، اقتصادی و حتی فرهنگی می شود. به عنوان نمونه، برنامه متنوع سازی اقتصادی نیز امارات را نیازمند واردات فناوری های حساس می کند. با عنایت به محدودیت های ساختاری آمریکا در این زمینه، محمد بن زاید به تل آویو، به عنوان مسیری جایگزین برای دستیابی به فناوری های پیشرفته می نگرد.

۱-۴- عربستان سعودی:

محمد بن سلمان از ۲۰۱۷ تاکنون مقام ولیعهدی را به عهده دارد و به طور همزمان پست های کلیدی چون وزارت دفاع (از ۲۰۱۵ تاکنون)، رئیس شورای امور اقتصادی و توسعه، نایب رئیس شورای وزیران، رئیس هیئت نظارت و مبارزه با فساد و ریاست شورای امنیت و امور سیاسی را در اختیار دارد. در صورت به قدرت رسیدن محمد بن سلمان، فضای بیشتری برای آشکار سازی روابط ریاض و تل آویو و همگرایی دو طرف در مقابل محور مقاومت به وجود می آید (تولیو لارا^۲، ۲۰۲۰). باید توجه داشت که بزرگترین مانع پیش روی آشکار سازی روابط عربستان با رژیم صهیونیستی، مسأله فلسطین است و محمد بن سلمان برای جلب رضایت جمعیت سنت گرای عربستان و افکار عمومی جهان عربی، بایستی بهانه ای قابل اتکا داشته باشد.

به نظر می رسد محمد بن سلمان به بهانه ای هم چون عادی سازی در ازای عقب نشینی رژیم صهیونیستی از الحاق کرانه باختری (بهانه محمد بن زاید) یا تأکید لفظی بر تشکیل دولت فلسطینی

1. Caspit
2. Tulio Lara

■ تأثیر طرح توافق آبراهام بر امنیت محور مقاومت در منطقه غرب آسیا در دوره ترامپ

مستقل استناد کند. در این راستا دیدار ۲۲ نوامبر ۲۰۲۰ محمد بن سلمان با نتانیاهو و یوسی کوهن در شهر نتوم، حامل پیام‌های جدی در خصوص چشم‌انداز روابط ریاض و تل‌آویو بود. ترس سران ریاض از تضعیف احتمالی جایگاه عربستان در سیاست خاورمیانه‌ای دولت جدید آمریکا (بایدن)، رهیافت برقراری روابط رسمی با دشمن سابق (رژیم صهیونیستی) را تشدید کرد. از این منظر، اقدام اخیر به منزله عایق‌بندی روابط دو طرف در مقابل ترکش‌های سیاست نسبتاً متفاوت دولت بایدن محسوب می‌شود (فرزیگر^۱، ۲۰۲۰). این امر را می‌توان در ادامه افزایش وزن محمد بن سلمان در سلسله‌مراتب قدرت پادشاهی و فشار وی به ملک سلمان برای پیش‌برد و تسریع روند سازش با تل‌آویو یک گام کلیدی دانست.

۱-۵- مصر:

مصر قرار است در توافق آبراهام، در قبال واگذاری بخشی از صحرای سینا به فلسطینی‌ها، حاکمیت بر بخشی از صحرای نقب را به دست آورد. مصر از نقش آمریکا در توسعه اقتصادی، تأمین تجهیزات نظامی و همکاری مشترک برای تقویت قابلیت‌های دفاعی خود واقف است و در نقطه مقابل نیز واشنگتن به جایگاه رهبری مصر در پیش‌برد روند سازش عنایت دارد. قاهره سالانه ۱/۳ میلیارد دلار کمک نظامی و ۲۵۰ میلیون دلار کمک اقتصادی از واشنگتن دریافت می‌کند. براساس گزارش سرویس تحقیقاتی کنگره، مصر از سال ۱۹۷۹ تاکنون ۶۹ میلیارد دلار از آمریکا کمک دریافت کرده است (مسمار^۲، ۲۰۲۱). اهرم اعمال فشار برای وادار کردن قاهره به پذیرش مفاد این توافق نیز در قالب خط لوله آسیا - اروپا پیش‌بینی شده است. این خط لوله تهدیدی جدی برای درآمد ۵/۸ میلیارد دلاری قاهره از محل عوارض ترانزیت کشتی در کانال سوئز به‌شمار می‌آید. در حال حاضر، بخش اعظمی از نفت و ال‌ان‌جی صادراتی خلیج فارس به اروپا و آمریکای شمالی از طریق کانال سوئز یا خط لوله «سومد» مصر (با ظرفیت پمپاژ روزانه ۲/۵ میلیون بشکه) می‌گذرد. بنابر دلایلی، ترافیک ترانزیتی این مسیر می‌تواند به خط لوله اروپا - آسیا منتقل شود. مزیت نخست خط لوله ایپک این است که دسترسی سریع‌تر و ارزان‌تر مصرف‌کنندگان آسیا به نفت تولیدی مدیترانه، دریای سیاه و خلیج فارس را فراهم می‌کند. در واقع، این خط لوله دالانی

1. Ferziger
2. Musmar

زمینی برای انتقال نفت و فرآورده‌های نفتی از امارات و سایر بازارهای شرقی به سمت بازارهای غربی و از شرق دور به دریای مدیترانه به وجود می‌آورد. خط لوله مزبور با پالایشگاه‌های رژیم صهیونیستی در حیفا و اشدود ارتباط دارد که تل آویو را به یکی از اصلی‌ترین خریداران نفت ابوظبی تبدیل می‌کند (پیرمحمدی، ۱۳۹۹).

۱-۶- اردن:

عبدالله دوم که از سال ۱۹۹۹ بر اردن حکومت می‌کند، متحد نزدیک آمریکا، رژیم صهیونیستی و حکام عربی منطقه به‌شمار می‌آید. به‌رغم میزبانی اردن از بیش از سه میلیون آواره فلسطینی و ۶۰۰ هزار پناهنده سوری، عمدتاً نسبت به دغدغه‌های این پادشاهی بی‌توجهی شده است. این امر به‌ویژه از زمان انتقال مرکز قدرت جهان عرب از بازیگران سنتی نظیر مصر، عراق و سوریه به کنشگران نوظهور شورای همکاری خلیج فارس تشدید شده است. ملک عبدالله بارها مخالفت خود را با طرح معامله قرن دولت ترامپ اعلان کرده است. این طرح نه تنها دغدغه‌های اصلی اردن از جمله وضعیت آوارگان فلسطینی را نادیده گرفت؛ بلکه به واسطه احتمال بالای کوچاندن اجباری گروهی دیگر از فلسطینیان به خاک اردن، تهدیدی وجودی را فراروی امنیت پادشاهی قرار می‌دهد. عادی‌سازی روابط بحرین، امارات و عربستان سعودی نیز به‌منزله تحت فشار قرار گرفتن امان برای بازیابی نقش و راهبردهای پیشین است. نگرانی امان از این جهت است که با افزایش نفوذ محمد بن سلمان بر سیاست خارجی سعودی و پیشبرد روند سازش، نقش سنتی اردن به‌عنوان مجرای اصلی گفت‌وگوی جهان عرب با رژیم صهیونیستی به حاشیه رانده شود. احتمال واگذاری تولید مسجدا لاقصی از اردن به عربستان به‌عنوان بخشی از مشوق‌های الحاق ریاض به روند سازش نیز نگرانی دیگری است که ملک عبدالله را به مخالفت با طرح آمریکایی - صهیونیستی معامله قرن سوق می‌دهد (پیرمحمدی، ۱۴۰۰). از این‌رو، ملک عبدالله دوم به‌عنوان مانعی در برابر پیش‌برد روند سازش مطابق الگوی آمریکایی و صهیونیستی بوده است. کودتای نافرجام با اسم عوض الله، رئیس دفتر سابق سلطنتی که روابط مستحکمی با محمد بن سلمان دارد را می‌توان نوعی گوشمالی به مقامات اردن برای پرهیز از ایفای نقش مخرب در روند پیاده‌سازی طرح معامله قرن و توافق آبراهام دانست.

۱-۷- بحرین:

از اوایل دهه ۲۰۱۰ به بعد، زمانی که بی‌ثباتی فزاینده منطقه غرب آسیا را به ضرر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس فراگرفت، نزدیکی آشکار امنیتی رژیم صهیونیستی و بحرین قابل تشخیص بود. گسترش حوزه نفوذ ایران در غرب آسیا، از سوی رژیم صهیونیستی و برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس از جمله بحرین به‌عنوان یک تهدید معتبر بازنمایی شد. این امر زمینه مناسبی را برای نزدیکی رژیم صهیونیستی و بحرین ایجاد کرد. بدین ترتیب بازنمایی تهدید ادعایی ایران نقش مهمی را در توجیه علنی‌سازی روابط بحرین با رژیم ایفا نمود به شکلی که وزیر کشور بحرین به صراحت توافق را برای ایجاد یک اتحاد قوی‌تر علیه ایران توجیه کرد (یوسف^۱، ۲۰۲۱: ۹). وی مدعی شد اگر فلسطین آرمان عربی ماست، بحرین هم آرمان سرنوشت‌ساز ماست (خبرگزاری بحرین^۲، ۲۰۲۰).

درحالی که پادشاهی بحرین روابط نزدیکی با رژیم صهیونیستی در مسائل امنیتی دارد؛ اما از تحریک احساسات مردم خود - که به‌طور سنتی سیاسی‌ترین مردمان شورای همکاری خلیج فارس هستند - هراس داشته است. هرچند بحرین تهدید ادعایی از جانب ایران را به‌عنوان مهم‌ترین دلیل علنی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی مطرح کرده؛ اما واقع‌مطلب آن است که بحرین مسئول نزدیکی خود با رژیم صهیونیستی نیست. عادی‌سازی روابط بحرین با رژیم صهیونیستی به‌دنبال اعلام امارات در ۱۳ اوت ۲۰۲۰ و تحت فشار مشترک محمد بن سلمان و ترامپ بر این کشور تحمیل شد. ترامپ برای ثبت موفقیت دیپلماتیک عجله داشت تا شکست «معامله قرن» را از حافظه پاک کند و محمد بن سلمان علی‌رغم تمایل به عادی‌سازی روابط با رژیم، شرایط داخلی و بین‌المللی را برای این کار نامناسب تلقی می‌کرد (دازی^۳، ۲۰۲۰: ۵). از آنجا که عربستان سعودی در شرایط کنونی مایل به علنی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی نیست، از بحرین به‌عنوان یک کانال سیاسی معتبر با رژیم صهیونیستی استفاده می‌کند. در این راستا، از بحرین به‌عنوان میزبان اجلاس اقتصادی پذیرش غیررسمی رژیم در حوزه خلیج فارس و پیش‌برنده معامله قرن بهره گرفته شد.

1. Yossef
2. Bahrain News Agency
3. Dazi

۲- پیامدهای توافق آبراهام بر امنیت محور مقاومت

همسویی طرح توافق آبراهام و عادی‌سازی روابط کشورهای محور سازش با رژیم صهیونیستی، با تشدید بحران و ناآرامی‌ها در اجزای کلیدی محور مقاومت از جمله عراق، سوریه و لبنان و هم‌چنین کارزار فشار حداکثری علیه ایران، حاکی از وقوع تهدیدات چندلایه‌ای است. ارائه تحلیلی جامع در این خصوص ایجاب می‌کند که عواقب امنیتی، سیاسی و اقتصادی تحول یادشده بر محور مقاومت مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱- تشدید معمای امنیتی ایران در خلیج فارس:

ابوظبی و منامه به‌جهت برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک در حاشیه جنوبی، می‌توانند فضای راهبردی مناسبی را برای ورود تل‌آویو به حلقه نخست منظومه امنیتی ایران در خلیج فارس فراهم نمایند. این امر به تشدید معمای امنیتی در خلیج فارس منجر خواهد شد؛ زیرا از یک‌سو حضور یک بازیگر متخاصم جدید در خلیج فارس به‌عنوان متحد کشورهای امارات و بحرین می‌تواند با ایجاد احساس امنیت مشترک میان کشورهای عربی حاشیه جنوب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی، انگیزه کشورهای عربی جهت کاهش تنش‌ها و گفت‌وگوهای منطقه‌ای با ایران را کاهش دهد و از سوی دیگر، می‌تواند این انگاره را برای کشورهای عربی تقویت نماید که مشارکت عمیق و پایدار رژیم صهیونیستی در تریببات امنیتی خلیج فارس می‌تواند به‌صورت بالقوه خلاء امنیتی ناشی از کاهش نقش آمریکا در منطقه را برای مهار ایران تقویت نماید (سیمون^۱، ۲۰۲۱: ۵). تشدید معمای امنیتی در خلیج فارس زمانی محتمل‌تر به‌نظر می‌رسد که درک کنیم عامل امنیتی سوق‌دهنده کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌سمت رژیم صهیونیستی، عمدتاً ناشی از خصومت مشترک آن‌ها با ایران و تصور آن‌ها از تهدید جمهوری اسلامی ایران است (وندرها^۲، ۲۰۲۰).

۲-۲- ائتلاف‌سازی دریایی علیه ایران:

ایجاد ائتلاف دریایی علیه ایران می‌تواند یکی از گزینه‌های محتمل همکاری‌های نظامی تل‌آویو و ابوظبی باشد. این امر به‌واسطه امنیتی‌سازی تحرکات ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز

1. Simon
2. Vonderhaar

■ تأثیر طرح توافق آبراهام بر امنیت محور مقاومت در منطقه غرب آسیا در دوره ترامپ

قابلیت طرح مناسبی دارد. مایک پمپئو پس از عادی‌سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی، مدعی توافق دو طرف برای تشکیل ائتلافی علیه ایران شد. ایران همواره بر تأمین امنیت بومی در خلیج فارس تأکید داشته و چنان‌چه سردار تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران اظهار داشته، «هرگونه حضور رژیم صهیونیستی در آب‌های خلیج فارس غیرقانونی است؛ چراکه ممکن است باعث ایجاد جنگ در منطقه شود». در راستای پیاده‌سازی این تاکتیک در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی، در آگوست ۲۰۱۹ تل‌آویو اعلام کرد بخشی از ائتلاف نظامی به رهبری آمریکا در برابر تهدیدهای ایران در تأمین امنیت کشتیرانی در خلیج فارس خواهد بود (یورونیوز، ۲۰۱۹). در پایان سال ۲۰۲۰ و در پی افزایش تنش‌ها میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی، زیردریایی نیروی دریایی رژیم برای اولین بار از طریق تنگه هرمز وارد خلیج فارس شد (اکبری^۱، ۲۰۲۱). برگزاری نخستین رزمایش مشترک دریایی آمریکا، رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و بحرین در نوامبر ۲۰۲۱ در دریای سرخ نیز دربردارنده «پیامی برای ایران» است. هدف رژیم از ائتلاف‌سازی دریایی، عقب‌راندن ایران و حضور در نوار دریایی مجاور ایران است (مانیتو خاورمیانه^۲، ۲۰۲۱).

۲-۳- همکاری‌های دفاعی - امنیتی و برگزاری رزمایش‌های نظامی:

یکی از گام‌های بعدی در روابط امارات و رژیم صهیونیستی، همکاری‌های دفاعی - امنیتی و برگزاری رزمایش‌های نظامی در خلیج فارس است. در همین راستا مقامات ارشد نظامی امارات و رژیم صهیونیستی در نخستین تماس تلفنی پس از علنی‌سازی روابط، طرفین ضمن اشاره به منافع امنیتی مشترک، بر تعهد خود به همکاری‌های دفاعی مشترک تأکید کردند (بارینگتون و ویلیامز^۳، ۲۰۲۰). تحویل سامانه‌های دفاع موشکی به امارات در راستای متنوع‌سازی مجاری مقابله با قدرت موشکی ایران و محور مقاومت اهمیت بالایی برای رژیم صهیونیستی دارد. در اینجا استدلال بر این است که تقویت ارتش امارات به امنیت رژیم صهیونیستی در همسایگی اصلی‌ترین دشمن این رژیم کمک می‌کند (مازتی و همکاران، ۲۰۲۰). امارات برای دستیابی به سیستم دفاع موشکی گنبد آهنین رژیم ابراز علاقه کرده است. تحویل این سامانه می‌تواند ضمن تشدید مسابقه

1. Akbari
2. Middle East Monito
3. Barrington and Williams

تسلیحاتی در خلیج فارس، ابوظبی را قادر به کاهش خطر زرادخانه موشک‌های بالستیک ایران کند (ازدی^۱، ۲۰۲۰).

دو طرف، سابقه برگزاری رزمایش‌های نظامی مشترک در حوزه شرق مدیترانه در یونان را دارند. هم‌چنین در اکتبر ۲۰۲۱ سرلشکر خلبان ابراهیم ناصر محمد العلوی، فرمانده نیروی هوایی و دفاع هوایی امارات در چارچوب تمرین نظامی بین‌المللی «پرچم آبی» وارد سرزمین‌های اشغالی شد (الجزیره^۲، ۲۰۲۱). این امر در رابطه با حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس حساسیت قابل توجهی دارد. بدون تردید ورود رژیم صهیونیستی به معادلات امنیتی خلیج فارس و رویارویی احتمالی با نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران از جمله در ورودی تنگه هرمز، بندر فجیره، پایگاه هوایی الظفره و پایگاه دریایی جبل علی، دربردارنده تهدیدی جدی علیه ایران خواهد بود. در این سناریو، آمریکا نیز در چارچوب پایگاه‌های نظامی خود در امارات، عربستان، قطر، بحرین و کویت، بیشترین تلاش را برای ادغام رژیم صهیونیستی در ترتیبات امنیتی خلیج فارس به کار می‌گیرد.

۲-۴- تعیین توان بازدارندگی انصارالله:

در سال‌های اخیر انصارالله یمن با الهام از الگو و سبک مبارزاتی و به‌طور کلی دکترین نظامی محور مقاومت، توانسته ضمن خنثی‌سازی حملات ائتلاف عربستان و نیروهای دست‌نشانده آن در حکومت منصور هادی، توان بازدارندگی خود را به حوزه شبه جزیره عربستان نیز گسترش دهد. این امر در سایه حمایت‌های متعدد محور مقاومت به رهبری ایران به‌دست آمده است. رژیم صهیونیستی با میانجی‌گری امارات در حال مذاکره با شورای انتقالی جنوب برای ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی - جاسوسی در جزیره سقطری یمن و یک پایگاه نظامی در جزیره میون (پالم) است. این دو پایگاه نظامی - اطلاعاتی، هدف مشترک اشراف اطلاعاتی و واپایش تحرکات انصارالله و ایران در دریای سرخ، تنگه باب‌المندب و خلیج عدن را دنبال می‌کنند (ابو رزق^۳، ۲۰۲۰). به‌علاوه این امر توان راهبردی ایران در حمایت لجستیک، مستشاری و تسلیحاتی از انصارالله را نیز محدود می‌سازد.

1. Azodi
2. Aljazeera
3. Abo Rezeg

۲-۵- ایجاد جبهه جنوبی علیه ایران:

تل آویو در ادامه نفوذ ژئوپلیتیکی این رژیم به اقلیم کردستان و آذربایجان از طریق پیشبرد روند عادی سازی و افزایش حضور در خلیج فارس، به دنبال آن است که جبهه جدیدی را در همسایگی ایران گشوده و خود را از تنگنای ژئوپلیتیکی سنتی خارج کند. رژیم صهیونیستی در پی راهبرد مهار به دنبال حضور در کمربند جنوبی ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای پر کردن خلأ ژئوپلیتیکی ناشی از عقب نشینی محافظ دیرینه خود در منطقه به دنبال پناه بردن به زیر چتر امنیتی رژیم صهیونیستی هستند (سیمون، ۲۰۲۱: ۱۴). گسترش احتمالی حوزه عادی سازی به سایر کشورهای حوزه ساحلی خلیج فارس از جمله بحرین، عمان، قطر و کویت، به منزله ظهور چالشی فوری و ایجاد جبهه‌ای جدید علیه ایران است.

۲-۶- تقویت همکاری اطلاعاتی علیه محور مقاومت:

فعالیت‌های اطلاعاتی - جاسوسی در امارات بخش دیگری از دستور کار جدید رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهد. سفر ۱۸ آگوست ۲۰۲۰ یوسی کوهن، رئیس موساد به ابوظبی و دیدار با طحنون بن زاید، نشان‌دهنده وجود لایه‌های اطلاعاتی نهفته در روند عادی سازی است. دستاوردهای عمده پیوند اطلاعاتی رژیم صهیونیستی با امارات شامل شناسایی، نظارت و حمله به شبه‌نظامیان در لبنان و سوریه، جاسوسی از سفارت‌خانه‌ها و شبکه مستشاری منطقه‌ای ایران و افشاگری در مورد برنامه هسته‌ای و موشکی ایران هستند (هالبنینگر و برگمن، ۲۰۲۰).

۲-۷- تابوشکنی و پیش‌برد روند سازش:

هر چند که عادی سازی روابط امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی را نمی‌توان به منزله ایستگاه پایانی حل منازعه کهنه اعراب و رژیم صهیونیستی دانست؛ اما بدون تردید اقدام ابوظبی و منامه نقش مهمی در شکستن تابوی عادی سازی روابط با تل آویو پس از ۲۶ سال دارد. به موجب چنین طرحی، رژیم صهیونیستی در ازای کسب شناسایی از سوی کشورهای عربی در کوتاه‌مدت، از توسعه طلبی سرزمینی خود در سرزمین‌های اشغالی صرف‌نظر می‌کند. با این حال، به موجب راه‌حل دو کشور، رژیم صهیونیستی هم‌چنان کنترل مرز میان کرانه باختری و اردن را حفظ می‌کند و این به مفهوم آن است که فلسطینیان در کرانه باختری به وسیله نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی

محاصره می‌شوند (Loyola, 2020). بر مبنای شواهد موجود، محمد دحلان^۱ گزینه مورد توافق رژیم صهیونیستی، امارات و آمریکا برای رهبری سازمان آزادی‌بخش فلسطین محسوب می‌شود.

۲-۸- افزایش فشار اقتصادی بر محور مقاومت:

امارات روابط اقتصادی قابل ملاحظه‌ای با ایران داشته و به‌ویژه دویی همواره به‌عنوان مجرای برای دورزدن تحریم‌های آمریکا و راهبرد فشار حداکثری ترامپ عمل کرده است. در مقابل، روابط اقتصادی ابوظبی و تل‌آویو از جمله در قالب احیای خط لوله ایلات - اشکلون می‌تواند امارات را به تأمین‌کننده اصلی نفت رژیم صهیونیستی تبدیل کند. امارات دومین شریک تجاری ایران بعد از چین محسوب می‌شود. بر این مبنای، برافراشته‌شدن پرچم رژیم صهیونیستی در امارات به موازات کاهش نقش ایران در سیاست خارجی و اقتصادی ابوظبی، دامنه فشارهای اقتصادی علیه ایران را تشدید می‌کند (حافظی^۲، ۲۰۲۰). در هشت ماهه اول سال ۲۰۲۱، صادرات رژیم صهیونیستی به امارات به ۶۸ میلیون دلار و واردات از ابوظبی به ۲۴۱ میلیون دلار رسید (گوزانسکی و فویر^۳، ۲۰۲۰: ۸).

ابوظبی و تل‌آویو مناسبات راهبردی با چین و هند دارند و این امر تهدیدی جدی برای رویکرد نگاه به شرق به‌ویژه آینده روابط سیاسی و تجاری ایران با دهلی‌نو (از جمله سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری در بندر چابهار) و پکن (برنامه همکاری فراگیر ۲۵ ساله) محسوب می‌شود (برتون^۴، ۲۰۲۰). همکاری‌های امارات با وزارت خزانه‌داری^۵ آمریکا در زمینه اجرای کارزار فشار حداکثری علیه ایران در زمان ترامپ و ملاقات‌های مقامات دو کشور با هدف تقویت رژیم مبارزه با پولشویی و اجرای مفاد کارگروه ویژه اقدام مالی^۶، نشان‌گر افزایش تحرکات امارات برای محدودسازی توان راهبردی ایران از طریق رژیم‌های بین‌المللی اقتصادی است. لازم به ذکر است امارات با تأسیس نهادی به نام ایرپو^۷ تمامی تحولات داخلی در ابعاد اقتصادی و سیاسی را به‌منظور مقابله با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران به‌صورت مستمر گزارش می‌دهد (وزارت خزانه داری

1. Mohammed Dahlan
2. Hafezi
3. Guzansky and Feuer
4. Burton
5. United States Department of the Treasury
6. Financial Action Task Force (FATF)
7. IRPO

■ تأثیر طرح توافق آبراهام بر امنیت محور مقاومت در منطقه غرب آسیا در دوره ترامپ

ایالات متحده آمریکا، ۲۰۱۸). به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۸ امارات در کنار شش کشور عضو، مرکز هدف‌گیری تأمین مالی تروریسم (تی‌اف‌تی‌سی) اعضای مجلس شورای حزب‌الله را تحریم کردند.

۲-۹- غیرامنیتی‌سازی هویت یهودی و تسهیل ارتباط‌گیری با آنان:

یکی دیگر از اهداف تل‌آویو از عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، گسترش هویت یهودی به حوزه خلیج‌فارس است. قرائت خاص محمد بن‌زاید در ضدیت با تمامی اشکال اسلام سیاسی نیز عامل پیش‌برنده و مقوم این سناریو محسوب می‌شود. با عنایت به رهیافت سازش‌کارانه بن‌زاید، ادغام جمعیت یهودی در پهنه غرب آسیا و شمال آفریقا هدفی قابل دسترس برای نتانیا‌هو خواهد بود. دویی و ابوظبی می‌توانند به نخستین مقاصد ادغام ایرانیان مقیم امارات و یهودیان تبدیل شوند. در سال ۲۰۱۸، نخستین کنیسه یهودیان در دویی افتتاح شد و در راستای طرح امارات به‌عنوان مرکز آشتی ادیان و تساهل فرهنگی - مذهبی، قرار است در سال ۲۰۲۲ مرکز دیگری برای یهودیان در ابوظبی ساخته شود. متعاقب عادی‌سازی روابط، مقامات امارات بیش از ۱۰۰ یمنی یهودی تبار را به ابوظبی منتقل کردند (مانیتور خاورمیانه، ۲۰۲۰).

۳- چشم‌انداز تأثیرات علنی‌سازی روابط بر محور مقاومت

چنان‌چه اشاره شد، آمریکا، رژیم صهیونیستی و محور سازش عربی، اصلی‌ترین بازیگران مجری روند عادی‌سازی روابط هستند. در این میان، با عنایت به تأثیرات قابل توجه روند عادی‌سازی، روابط محور سازش با تل‌آویو بر محیط امنیتی و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بایستی به سناریوی مطلوب محور مقاومت نیز اشاره شود. در این راستا به‌نظر می‌رسد محور آمریکا - رژیم صهیونیستی - سازش عربی، دست‌کم در مقطع کنونی بیشترین اشتراک منافع را در ائتلاف‌سازی علیه محور مقاومت دارند. ذیلاً تلاش می‌شود سناریوهای اصلی تأثیرگذاری عادی‌سازی بر امنیت منطقه‌ای محور مقاومت در این قالب مورد بررسی قرار گیرد.

۳-۱- آمریکا:

دولت ترامپ با طرح توافق آبراهام به دنبال مدیریت و حل و فصل منازعات دیرین رژیم صهیونیستی - اعراب و معرفی خود به عنوان منجی و تعیین کننده اصلی معادلات قدرت و امنیت غرب آسیا بود. شناسایی حاکمیت رژیم صهیونیستی بر بلندی‌های جولان، انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس و حتی ترور سرداران مقاومت و قراردادن سپاه پاسداران در زمره سازمان‌های تروریستی و از همه مهم‌تر، فراهم کردن زمینه روند عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، گام‌های اصلی دولت ترامپ در این مسیر بوده‌اند. اما پس از ترامپ سناریوی مطلوب آمریکا تسریع روند عادی‌سازی و هم‌چنین تشدید سیاست مهار ایران و امنیتی‌سازی محور مقاومت می‌باشد. آمریکا در تلاش است تا توافقی‌های عادی‌سازی بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی موسوم به توافق‌نامه آبراهام را گسترش دهد و امیدوار است که احیای چنین روابطی، برای پیش‌برد پیشرفت در مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین مورد استفاده قرار گیرد (پاموک و لوئیس^۱، ۲۰۲۱). در همین ارتباط، آنتونی بلینکن^۲ وزیر امور خارجه آمریکا، اعلام کرده که توافق‌نامه آبراهام نشان‌دهنده «دستاوردی مهم است، دستاوردی که نه تنها ما از آن حمایت می‌کنیم، بلکه می‌خواهیم آن را به سه شیوه توسعه دهیم. نخست، تقویت روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای محور عادی‌سازی؛ دوم، تعمیق روابط دیرینه رژیم با مصر و اردن و سوم، تلاش برای بسط توافق عادی‌سازی به سایر کشورها و تشوق دیگر کشورهای عربی برای الحاق به توافق آبراهام» (کاخ سفید^۳، ۲۰۲۱). موارد یادشده به تشدید معمای امنیتی ایران در خلیج فارس دامن می‌زند و در میان‌مدت، توجه ایران را از محور مقاومت و معادلات پیچیده آن منحرف می‌سازد. بر همین اساس برایان هوک^۴ نماینده پیشین ویژه آمریکا در امور ایران، عادی‌سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی را ضربه‌ای بزرگ به ایران توصیف کرده است.

1. Pamuk and Lewis
2. Antony Blinken
3. The White House
4. Brian Hook

۳-۲- رژیم صهیونیستی:

سناریوی مطلوب رژیم صهیونیستی، پیشبرد طرح توافق آبراهام و تسریع روند عادی‌سازی روابط با سایر کشورهای حوزه غرب آسیا و شمال آفریقا می‌باشد. جناح راست‌گرای افراطی رژیم صهیونیستی تلاش دارد تا مفهوم صلح را به سراسر جهان عرب گسترش دهد (صدری و قندریز، ۱۳۹۹). تل‌آویو پس از اقدامات یکجانبه دولت ترامپ در الحاق بلندی‌های جولان و به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، از طریق تغییر موازنه قوا به نفع خود در صدد است زمینه‌های اجرای کامل روند عادی‌سازی و الحاق تمامی بازیگران عربی بدان را فراهم کند. از این منظر توافق‌نامه آبراهام بیشتر یک استراتژی است تا تلاشی صرف برای عادی‌سازی روابط منطقه‌ای و انجام دیپلماسی (رافع خان در محمود شاد^۱، ۲۰۲۱: ۱۸۰). تحقق رؤیای سازش تمامی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی، مستلزم خلع سلاح بازیگرانی چون حماس، جهاد اسلامی و حزب الله و جلوگیری از انتقال تجهیزات پیشرفته به بازوهای مقاومت است. در چنین شرایطی، رژیم صهیونیستی از طریق عادی‌سازی روابط با محور سازش و حمله به مواضع مقاومت در سوریه، لبنان و عراق، در صدد پر نمودن شکاف‌های اجتماعی متراکم راهبرد منحرف نمودن کانون توجهات از عرصه داخلی به خارجی است.

۳-۳- محور سازش عربی:

امارات متحده عربی علاقه آشکاری به تقویت روابط خود با آمریکا و ترسیم وجهه و جایگاه خود به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار منطقه‌ای دارد. سناریوی مطلوب برای امارات، طرح و تثبیت نقش منطقه‌ای جدید برای خود در پیچ تاریخی موجود غرب آسیا و شمال آفریقا است. اظهارات ترامپ در خصوص لزوم پیروی سایر کشورها از مدل امارات در عادی‌سازی روابط نیز از جایگاه ویژه ابوظبی در راهبرد غرب آسیای دولت ترامپ پرده برمی‌دارد. امارات بر آن است تا از طریق گسترش نقش‌یابی در راهبرد مقابله با تهدید مشترک «ایران»، ضمن ترسیم جایگاه خود در محور آمریکا - رژیم صهیونیستی، جبهه جدیدی را در برابر ایران ایجاد نماید و در مقابل ایران بازدارندگی ایجاد نماید. با کاهش تعهدات آمریکا نسبت به متحدان قدیمی خود در منطقه غرب آسیا، اماراتی‌ها رژیم صهیونیستی را واقعاً تنها طرفی در منطقه می‌دانند که از نظر مهارت فنی و

1. Rafi Khan and Mehmood Shahzad

کارآمدی نظامی، توان تکیه زدن به آنرا دارند. بر این اساس، آن‌ها رژیم صهیونیستی را به‌عنوان شریکی بلندمدت برای تبادل سرمایه انسانی و اطلاعات و انتقال فنی می‌بینند که به ثبات بلندمدت امارات کمک می‌کند. منافع بحرین قبل از هر چیز، تقویت روابط خود با آمریکا، تقویت امنیت در برابر تهدید ادعایی ایران و هم‌چنین تقویت اقتصادی از طریق گسترش مناسبات با رژیم صهیونیستی است (Guzansky and Feuer, 2021: 3-4). بحرین نیز مانند امارات، ایران را به‌عنوان تهدیدی وجودی می‌بیند. در این معامله، منافع مالی، امنیتی و نظامی بیشتری نصیب بحرین می‌شود (استفنز، ۲۰۲۰).

۳-۴- محور مقاومت:

سناریوی مطلوب جمهوری اسلامی ایران در فضای پس از ترور سرلشکر سلیمانی، اخراج نیروهای آمریکایی از منطقه است. لازمه اثربخشی و کارآمدی این سناریو، وحدت و همگرایی درونی در میان اجزای محور مقاومت و تقویت استحکام ساخت درونی محور مقاومت در قالب مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. درحالی‌که روند سازشی اخیر حول محور توافق آبراهام، به‌وضوح در تلاش برای برهم‌زدن معادله قدرت و امنیت منطقه‌ای و پی‌ریزی نظمی نوین در غرب آسیا می‌باشد. نظمی که در قالب گسترش حوزه سازش با رژیم صهیونیستی به طیف وسیع‌تری از کشورهای غرب آسیا از جمله عربستان سعودی، عمان، عراق، کویت، سومالی، یمن و قطر پیش‌بینی شده است. تحقق رؤیای سازش تمامی کشورها و بازیگران عربی با رژیم صهیونیستی مستلزم خلع سلاح حماس، جهاد اسلامی و حزب‌الله لبنان و جلوگیری از انتقال تجهیزات پیشرفته به بازوهای مقاومت است از این‌رو، در کنار تقویت هم‌گرایی درونی اجزای محور مقاومت لازم است که همگام با تغییر و تحول در صورت‌بندی‌ها، روندها و ساختار قدرت و امنیت منطقه‌ای، با بازیگران هم‌فکر و هم‌سو در سطوح منطقه و عرصه بین‌المللی ائتلاف‌سازی شود. روسیه و چین در عرصه بین‌المللی تحولات غرب آسیا و ونزوئلا، کوبا، نیکاراگوئه و بولیوی در عرصه تحولات بین‌المللی می‌توانند چنین امکانی را تسهیل و تسریع کنند. در سطح داخلی غرب آسیا نیز بایستی سیاست‌ها و راهبردها به گونه‌ای طراحی شوند که امکان ائتلاف‌سازی تاکتیکی با کنش‌گرانی که

1. Stephens

کمترین تعارض هویتی با جمهوری اسلامی ایران را دارند - از جمله پاکستان، قطر و عراق - فراهم شود.

نتیجه گیری

توافق آبراهام جزء محوری سیاست غرب آسیایی آمریکا محسوب می شود که به موجب الگوی ذهنی دونالد ترامپ، برای مدیریت منازعه اعراب - رژیم صهیونیستی، نقش های جدیدی برای کشورهای عربی طراحی نموده است. در کانون این راهبرد نیز سیاست تحریم دولت ترامپ علیه اجزای مقاومت قرار دارد که به موازات افزایش نافرمانی مدنی و نارضایتی اقتصادی در کشورهای محور مقاومت و افزایش شکاف میان نخبگان و جریان های سیاسی داخلی، شرایط را برای مهار و تغییر سیاست منطقه ای ایران فراهم نماید.

آثار و عواقب امنیتی - اطلاعاتی چنین وضعیتی بر امنیت منطقه ای ایران و محور مقاومت را می توان در قالب تشدید معادله امنیتی در خلیج فارس، ائتلاف سازی دریایی علیه ایران، افزایش مسابقه تسلیحاتی، افزایش جاسوسی از محور مقاومت و در نهایت، برهم خوردن موازنه قوا در خلیج فارس مورد توجه قرار داد. در حوزه اقتصادی نیز علاوه بر تحدید مجرای تجاری ایران در دوبی و ابوظبی برای دورزدن تحریم ها، تهدیدی جدی برای مبادلات اقتصادی ایران با چین و هند شکل می گیرد. تل آویو بر آن است با استفاده از خلأ حضور آمریکا در منطقه و مزیت های استراتژیکش در حوزه های اقتصادی، فناوری های پیشرفته و صنایع نظامی و امنیتی، در راستای تقویت حضور در محیط امنیتی ایران و در نهایت تعمیق امنیتی سازی جمهوری اسلامی ایران بهره گیرد. چنین وضعیتی ضمن تقویت قدرت هوشمند تل آویو، در بردارنده تهدیدات موسع و فراگیر برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. تقویت حضور و ایفای نقش در زیرسیستم های آفریقا و خلیج فارس که با انعقاد توافق نامه های آبراهام در دستور کار قرار گرفت، به منزله آغاز دوران جدیدی در رویارویی منطقه ای ایران و رژیم صهیونیستی است.

در رابطه با سناریوهای بازیگران درگیر نیز چنانچه اشاره شد، سناریوهای آمریکا و رژیم صهیونیستی با یکدیگر کاملاً منطبق هستند و امارات نیز نقش خود را در قالب ذهنی ترامپ و نتانیاهو تعریف نموده است. در شرایط کنونی، سناریوی مطلوب محور مقاومت، تداوم راهبرد دفاع

فعال به صورت افزایش هم‌گرایی در محور مقاومت است؛ اما مقاله حاضر پاداستراتژی مناسب در برابر ائتلاف جدید آمریکا - رژیم صهیونیستی و امارات را ایجاد ائتلاف منطقه‌ای با بازیگران همسو و نسبتاً هم‌فکر منطقه‌ای و بین‌المللی در صحنه تحولات غرب آسیا می‌داند. رژیم صهیونیستی در قالب این پروژه مشترک بر آن است از یک سو توافقات موجود را به حوزه‌های مختلف گردشگری، تجاری، صنعتی، پزشکی، فناوری‌های پیشرفته و صنایع نظامی و هوایی گسترش دهد (عادی‌سازی عمودی) و از سوی دیگر قصد آن را دارد که دامنه بازیگران عربی شریک در این پروژه را به طیف وسیعی از کشورهای سازش‌کار اشاعه دهد (عادی‌سازی افقی) از این رو، الحاق کشورهای چمن، عمان، قطر و حتی عربستان سعودی به روند علنی‌سازی روابط و توافق آبراهام، دور از ذهن نخواهد بود.

فهرست منابع

- پیرمحمدی، سعید (۱۴۰۰)، گسترش روند سازش به حوزه اقتصادی؛ خط لوله آسیا - اروپا؛ اتصال ژئواستراتژیک خلیج فارس به حوزه مدیترانه، تارنمای پژوهشکده تحقیقات راهبردی، قابل دسترسی در <https://csr.ir/fa/news/1259>
- پیرمحمدی، سعید (۱۴۰۰)، تحولات اردن به کدام سو می‌رود؟ کودتا یا گوشمالی عبدالله دوم در اردن، تارنمای پژوهشکده تحقیقات راهبردی، قابل دسترسی در <https://csr.ir/fa/news/1353/>
- داداندیش، پروین؛ کوزه‌گر کالچی، ولی (۱۳۸۹)، بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی، فصل‌نامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶.
- دهشیری، محمدرضا؛ حسینی، سیدمحمد؛ شیرواند، صارم؛ حسینی، سیدمصطفی (۱۳۹۶)، تأثیر امنیت منطقه‌ای بر رفتارشناختی مجموعه‌های امنیتی مناطق، فصل‌نامه سیاست جهانی، دوره ششم، شماره ۱.
- صدری، محمود؛ قندریز، علیرضا (۱۳۹۹)، نمایش فصل؛ نگاهی به توافق‌نامه رژیم صهیونیستی و امارات، بی‌بی‌سی فارسی، <https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-53809724>
- طباطبایی، سیدمحمد؛ فتحی، محمدجواد (۱۳۹۳)، تحول مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد براساس مکتب کپنهاگ، فصل‌نامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، سال پنجم، شماره ۱۴.
- یورونیوز (۲۰۱۹)، اسرائیل در کنار آمریکا وارد خلیج فارس می‌شود، قابل دسترسی در: <https://per.euronews.com/2019/08/07/israel-enters-the-persian-gulf-along-with-the-us>
- Abo Rezeg, Ali (2020), Israel-UAE spy base on Socotra targets Iran, China, Pakistan; UAE, Israel are working to establish a spy base in Yemeni Island of Socotra, Anadolu Agency.
- Akbari, Arash (2021), The Abraham Accord, Iran, and The Geopolitics of the Persian Gulf, Russian Council.
- Aljazeera (2021), Israel holds largest-ever military drill with UAE participation, <https://www.aljazeera.com/news/2021/10/25/israel-holds-largest-ever-military-drill-with-uae-participation>
- Azodi, Sina (2020), Why is Iran concerned about the peace agreement between the UAE and Israel? Atlantic Council.
- Bahrain News Agency, (2020), Interior Minister: if Palestine is our Arab cause, then Bahrain is our fateful cause, <https://www.bna.bh/en/InteriorMinisterifPalestineisourArabcausetheBahrainisourfatefulcause.aspx?cms=q8FmFJgiscL2fwIzON1%2BDiAnAZKW2r0zeK590omyHIY%3D>
- Barrington, Lisa and Williams, Dan (2020), UAE, Israeli ministers pledge defence cooperation, Reuters.
- Burton, Guy (2020), What the Israel-UAE Agreement Means for Asian Powers, The Diplomat.
- Caspit, Ben (2021), Bennett's government at work to expand Abraham Accords, <https://www.al-monitor.com/originals/2021/10/bennetts-government-work-expand-abraham-accords#ixzz7ICjRNLOH>

- Diskaya, Ali (2013), Towards a Critical Securitization Theory: The Copenhagen and Aberystwyth Schools of Security, E-International Relations.
- Ferziger, Jonathan H. (2020), Secret Flight Shows Netanyahu and Mohammed bin Salman Joining to Face Biden, Foreign Policy.
- Friedman, Brandon (2021), Israeli-Arab Normalizations: An Inflexion Point for the Middle Eastern Politics, Institut Montaigne.
- Guzansky, Yoel and Feuer, Sarah (2021), The Abraham Accords at One Year: Achievements, Challenges, and Recommendations for Israel, Institute for National Security Studies (INSS).
- Hafezi, Parisa (2020), Iran's response to Israel-UAE pact: tough rhetoric, no action, Reuters.
- Halbfinger, David and Ronen Bergman (2020), Shifting Dynamics of the Mideast Pushed Israel and U.A.E. Together, The New York Times.
- Loyola, Mario (2020), Trump's Middle East Triumph, National Review.
- Mazzetti, Mark; Wong, Edward and LaForgia, Michael (2020), Netanyahu Privately Condoned U.S. Plan to Sell Arms to U.A.E., Officials Say, The New York Times.
- Middle East Monitor, (2020), Yemen's remaining Jews to be transferred to UAE following Israel deal, <https://www.middleeastmonitor.com/20200817-yemens-remaining-jews-to-be-transferred-to-uae-following-israel-deal/>
- Middle East Monitor, (2021), Red Sea drill by US, Israel, UAE, Bahrain a message to Iran, <https://www.middleeastmonitor.com/20211113-red-sea-drill-by-us-israel-uae-bahrain-a-message-to-iran/>
- Musmar, Frank (2021), The Old Peace Treaties vs. the Abraham Accords, The Begin-Sadat Center for Strategic Studies.
- Pamuk, Humeyra and Lewis, Simon (2021), U.S. hopes Abraham Accords will help Israeli-Palestinian issue – officials, Reuters.
- Rafi Khan, Muhammad and Mehmood Shahzad, Sajid (2021), The Abraham Accords: Israel resizing Spheres of Influence, JRSP, Vol. 58, No. 2.
- Simon, Steven (2021), Israel and the Persian Gulf: A Source of Security or Conflict? The Quincy Institute for Responsible Statecraft.
- Staff, MEE (2020), Confusion over Hezbollah spat leaves Israelis questioning their military, Middle East Eye.
- Stephens, Michael (2020), The Abraham Accords: The View from the Gulf, The Foreign Policy Research Institute.
- The White House, (2021), At the One Year Anniversary of the Abraham Accords: Normalization Agreements in Action, <https://www.state.gov/at-the-one-year-anniversary-of-the-abraham-accords-normalization-agreements-in-action/>
- Túlio Lara, Marco (2020), Will Saudi Arabia Be Next to Normalize Relations with Israel? National Interest.
- U.S. Department of The Treasury (2018), United States and United Arab Emirates Disrupt Large Scale Currency Exchange Network Transferring Millions of Dollars to the IRGC-QF, <https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm0383>
- Vonderhaar, Lora (2020), The Abraham Accords: A Peace Deal in Name Only, Georgetown Security Studies Review.
- Wolf, Albert (2020), The UAE-Israel Agreement Isn't All It's Cracked Up to Be, Foreign Policy.
- Yossef, Amr (2021), The Regional Impact of the Abraham Accords, MWI Report, No. 2.

